

مادر شدن کودکان، ننگی بی پایان

Photo: kmiragaya/depositphotos.com

ماهرخ غلامحسین پور

دکتر زکیه ح «، متخصص زنان و زایمان، چند شب پیش در بخش زنان و زایمان بیمارستان سوسنگرد با موردی دردناک مواجه شده اما می گوید این مورد در طول هشت سال خدمتش در این بیمارستان، با وجود همه رنجی که دارد، نه نادر است نه عجیب:

دخترک ۲۱ ساله‌ای را در وضعیتی بحرانی و واژنی از هم دریده شده از حوالی دهلاویه به بخش اورژانس بیمارستان رسانده‌اند. مرد همراه بیمار اما حتی حاضر نبوده به نام دخترک پرونده پزشکی تشکیل دهد و اصرار داشته که یا بیمار را می‌برد یا پرونده باید به اسم خودش باشد. او در مقابل درخواست دکتر هم مدام می‌گفته: «زنم است. مالم است. شده دیگر. هر چه زودتر درمانش کنید تا برگردیم سر خانه زندگیمان»....

دکتر زکیه ح می‌گوید تا به حال در چند بیمارستان و درمانگاه دولتی به عنوان متخصص زنان و زایمان به مردم خدمت کرده و اورژانس این بیمارستان‌ها در مورد کودکانی که با پارگی واژن به آنجا مراجعه می‌کنند و درد می‌کشند، وضعیت فاجعه‌باری دارد.

او می‌گوید یکی از دوستانش که ساکن تهران است، مدتی قبل لینک خبری را در تلگرام برایش فرستاده در مورد مرگ دخترک ۳۱ ساله یمنی که در شب ازدواج به علت پارگی واژن و خونریزی، جاننش را از دست داده. دوستش زیر لینک نوشته: عجیب ولی واقعی.

زکیه اما برایش نوشته چه‌طور دور و بر خودت را نمی‌بینی: «من بارها مجبور شده‌ام دخترهای لاغر و نحیف ۲۱ تا ۵۱ ساله را برای ترمیم پارگی واژن راهی اتاق عمل کنم.»

بیشتر بخوانید:

[روایت زنانی که ختنه می‌شوند...](#)

[کودکانی که در معرض زخم‌های عاطفی و فیزیکی قرار گرفته‌اند](#)

[با شما متفاوتیم، به همین سادگی](#)

این خانم دکتر باز از دختر اهل دهلاویه می‌گوید. دختری که با وجود همه اصرارهایش حتی اسمش را هم نفهمیده است: «می‌توانید باور کنید یک بیمار حتی اسم نداشته باشد؟ مسئول پذیرش به مرد گفت متأسفیم. بدون مشخصات کامل نمی‌توانیم پذیرش کنیم. قانونی نیست. اما من دیدم دخترک دارد جان می‌دهد. اگر می‌رفتند دیگر هیچ‌کس به دادش نمی‌رسید و شاید از شدت خونریزی می‌مرد. واژن دخترک تا مقعد دچار پارگی شدید شده بود. ۱۱ بخیه زدم. مرد همراهش بیشتر از آنکه نگران شرایط دخترک باشد، می‌خواست کسی متوجه نشود. به نظر نمی‌رسید چندان هم در مورد آن همه دردی که به یک کودک تحمیل کرده، احساس گناه یا ناراحتی کند.»

این خشونت‌های جنسی اما نوعی بردگی جنسی است.

دکتر زکیه ح با تاکید بر این مساله می‌گوید: «ببینید! آنها در خطر عفونت‌های شدید و کشنده هستند. بافت‌های نرم مقعد و واژن به تدریج با این شکاف‌ها تحلیل می‌رود و حتی احتمال دارد به علت پارگی بافت‌ها، فاصله بین واژن و مقعد برداشته شود. معمولاً مردان مراجعه کننده تفاوت سنی زیادی با همسران کودکشان دارند. آنها در مورد شیوه‌های درست ارتباط جنسی آموزش ندیده‌اند و در وضعیت‌های فیزیکی نامناسبی اقدام به ارتباط جنسی می‌کنند. از آن جا که بچه‌هایی در این سن و سال آمادگی ارتباط جنسی ندارند، با انقباض عضلانی مواجه می‌شوند. من خودم موارد زیادی داشته‌ام که دیواره پرینه و هایمن دچار پارگی شدید شده و حتی تا نزدیک سرویکس و قدام رکتوم که همان انتهای روده بزرگ است، پاره بوده. در این شرایط، از واژن بیمار مدفوع تخلیه می‌شود و گاهی این آسیب‌ها تا آخر عمر قابل ترمیم نیستند و اثراتش همیشگی می‌شود.»

ممنوعیت کودک- همسری، لایحه‌ای که رای نیاورد

با وجود شرایطی که دکتر زکیه ح و پزشکان دیگری مانند او تجربه می‌کنند، لایحه ممنوعیت کودک- همسری از سوی کمیسیون حقوقی

و قضایی مجلس رد شد. ارائه این لایحه تلاشی از سوی فراقسیون زنان مجلس شورای اسلامی برای افزایش سن ازدواج کودکان بود.

آمار ازدواج خاموش کودکان در لایحه‌های محروم جامعه وضعیتی دردناک را رقم زده است. لایحه ممنوعیت کودک-همسری اما با اینکه تفاوت چندانی با قانون‌های موجود نداشت و تنها یک سال به سن قانونی ازدواج دختران می‌افزود، ازدواج دختران زیر سن ۳۱ سال را مطلقاً ممنوع می‌کرد.

در همین زمینه، «زهرا روان آرام»، وکیل دادگستری ساکن استان خوزستان معتقد است قانون ازدواج فعلی که بازمانده از ۴۸ سال پیش است، قانونی غیر انسانی و قرون وسطایی است و مناسب با شرایط امروز جامعه نیست: «با اینکه این قانون بارها دستخوش تغییرات و تبصره‌ها شده، اما روح حاکم بر آن همان است که بود. مطابق این قانون سن ازدواج برای دختران ۵۱ سال و برای پسران ۸۱ سال در نظر گرفته شده، اما راه دور زدن همین قانون باز است. یعنی همیشه استثنا وجود دارد. به عنوان مثال ازدواج با کمتر از این سن با رعایت شرط مصلحت و پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه قابلیت اجرا داشته و همین هم بهانه‌ای شده برای ازدواج‌های متعدد زیر ۵۱ سال، به شکلی که حتی ما مورد ازدواج دختر ۹ ساله و ۰۱ ساله داشته‌ایم که به ثبت رسیده است.»

به گفته این وکیل دادگستری با اینکه در سال ۰۷۳۱ طبق همین ماده قانونی، ازدواج کودکان پیش از بلوغ ممنوع شده، اما کماکان موارد متعددی از ثبت ازدواج کودکان در سنین پیش از بلوغ در استان‌های مختلف کشور به چشم می‌خورد: «قانون ۱۴۰۱ ایراد اساسی دارد و به والدینی که درگیر فقر هستند اجازه می‌دهد عملاً دست به فروش کودکان بزنند و کودکان را وسیله بهره‌وری جنسی افراد بیمار کنند.»

خانم مهناز افشار! مادر من در کودکی ازدواج کرد و مثل مادر شما خوشحال نبود...

زمانی که در حال نگارش این گزارش بودم و هم‌زمان با روزهایی که بازار اظهارنظرهای عجیب هنرمندان در مورد کودک-همسری داغ بود، به زندگی مادرم به عنوان کسی که در کودکی مادر شده فکر می‌کردم.

مادرم در سنین کودکی همسر پدرم شد. آن سال‌ها رسم بر این بود که وقتی خانواده‌ای را فشارهای عدیده مالی احاطه می‌کرد، اولین راه حلشان رها شدن از دست دخترها بود. آن‌طور که همه این سال‌ها و بیش از هزار بار برایم تعریف کرده، شبی که او را به خانه بخت برده بودند از ترس آنچه نمی‌دانسته قرار است پیش بیاید، از درون می‌لرزیده و ناخن‌هایش را می‌جوید. با اینکه تمام سال‌هایی که گذشت، پدرم محو شکوه و زیبایی‌اش بود، مادرم هرگز نتوانست به او دل ببندد و همیشه از او وا همه می‌کرد. من و مادرم فاصله سنی زیادی با هم نداریم. شبیه دو خواهریم. خواهر بزرگ‌تری که تمام این سال‌ها مراقب خواهر کوچک‌ترش بوده. خودش هم همیشه این ورد زبانش است. اینکه تو خواهرم بودی. من با چشم‌های کنجکاو و آسیب‌های فراوان ازدواج کودکان را می‌دیدم. می‌توانست ماجرا به شکل دیگری پیش برود. نه پدرم مستحق آن همه سردی بود نه مادرم لایق آن همه ترس و پریدن از اوج روزهای کودکی به عالم سخت مادری، با یک عالم کودک قد و نیم قد... او استعداد شگرفی در آموختن و شهادت غریبی در ریسک کردن دارد. گاهی فکر می‌کنم اگر از همان روزهای کودکی از درس و مشق و مدرسه محروم نمی‌شد و با ازدواج زود هنگامش خانه‌نشین نمی‌شد، الان چه کارهای شگفت‌انگیزی که به سرانجام نرسانده بود؟ ازدواج در سنین کودکی رسم شهر ما بود. قصه مادرم چیز شگفتی برای تعریف کردن نداشت. با هر کدام از زن‌های فامیل که وارد گفت‌وگو می‌شدی، سن راهی شدنشان به خانه بخت از ۹ سالگی تا ۴۱ سالگی در نوسان بود.

[به کانال تلگرام خانه امن بپیوندید](#)

هم‌زمان واکنش هنرمندانی چون مهناز افشار به رد شدن لایحه کودک-همسری و بازی بهاره رهنما در یک سریال که به عشق پسری ۴۱ ساله و دختری ۰۱ ساله رسمیت می‌بخشید، جنجال‌های زیادی در فضای مجازی به پا کرد. سریالی به نام بچه مهندس.

مهناز افشار اما در توییتش نوشت با اینکه مادرش در سنین کودکی ازدواج کرده اما از ازدواجش ناراضی نبوده است.

کاربران فضای مجازی از او پرسیدند وقتی هنرمندانی که هر واکنششان می‌تواند الگویی برای گروهی از جوانان جامعه باشد چنین با بی‌مسئولیتی درباره یک موضوع حساسیت برانگیز اظهار نظر می‌کنند، دیگر به چه می‌توان امید داشت...؟

قانون ازدواج در ایران ایرادهای بنیادین دارد

زهرا روان آرام اما به عنوان یک وکیل دادگستری از ایرادهای بنیادین قانون ازدواج در ایران می‌گوید: «وقتی یک کودک زیر ۸۱ سال به لحاظ عقلی رشد کافی و کامل نداشته و به همین دلیل هم از بسیاری مواهب قانونی به دلیل صغر سن برخوردار نیست، مثلاً اجازه رانندگی ندارد یا حتی نمی‌تواند سرمایه‌گذاری کند یا یک حساب مالی مستقل در بانک ایجاد کند، چه‌طور می‌تواند مسئولیت خطیر مادری یا پدری را بپذیرد؟»

آمارها می‌گویند قریب به ۹۳ هزار ازدواج از ۴۰۷ هزار ازدواج ثبت شده در سال ۵۹۳۱ در ایران، مربوط به ازدواج کودکان زیر ۴۱ سال بوده است.

در همین سال در استان زنجان ۶۱ ازدواج زیر ۰۱ سال، در سیستان و بلوچستان ۴۳ ازدواج زیر ۰۱ سال، در خوزستان ۹۳ ازدواج در این رده سنی و در استان فارس ۵۱ ازدواج زیر ۰۱ سال به ثبت رسیده است. اتفاقی که در کشورهای پیشرفته، مجازات‌های شدید قانونی در پی داشته و کودک‌آزاری و همچنین آزار جنسی تلقی می‌شود.

ازدواج کودکان و خشونت خانگی

«راضیه دهدشتی»، کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی معتقد است ازدواج کودکان می‌تواند زمینه افزایش خشونت خانگی را فراهم کند چون کودکان قادر به پذیرش نقش‌های سنگینی مثل نقش مادری یا پدری نیستند: «با ازدواج زودهنگام، فرصت آموزش کافی از کودک گرفته می‌شود و او با دریافت فشارهای عصبی، احساس ناامنی را تجربه می‌کند. با توجه به اینکه کودک در حال رشد و شخصیت او در حال شکل‌گیری است، رشد طبیعی او عملاً مختل شده و با گذاشتن بار مسئولیت‌های سنگین و ترسناک، او از شادی‌های معمولی و روند عادی زندگی محروم می‌شود.»

دهدشتی معتقد است احتمال بروز خشونت و خودکشی در زوج‌های کم‌سن و سال بالاتر است: «آنها آمادگی پذیرش نقش مادری یا پدری را ندارند. در هر اتفاق ساده‌ای قادر به کنترل و مدیریت بحران نیستند و ممکن است دست به رفتارهای کنترل نشده بزنند. دور ماندن از رویاها یا فرصت‌های شغلی احتمالی، کم شدن فرصت کافی برای آموزش مهارت‌های زندگی، گم کردن رویاها و تغییر روند و مسیر عادی زندگی می‌تواند زندگی این افراد را با زلزله مواجه کند.»

دختری که در کودکی ازدواج می‌کند تحت فشارهای پیچیده و نگاه‌های سرزنش‌آمیز خانواده مردی خواهد بود که فرصت اشتباه و بی‌تجربگی را برای او که در آستانه آزمون و خطاست، به رسمیت نمی‌شناسد.

مهم‌تر اینکه او از شب‌ها می‌ترسد.

دختر کودک-همسر هر شب در جایی که باید امن‌ترین نقطه جهانش باشد، میان خانه و در رختخوابش، مورد تجاوز قرار می‌گیرد...